

دکتر دیوید باوئر، مطالعه استقرایی کتاب مقدس، سخنرانی 30 اول پطرس ۱:۳-۱۲

دیوید باوئر و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

من دکتر دیوید باور هستم در تدریسش در مورد مطالعه استقرایی کتاب مقدس. این جلسه 30 اول پطرس 1: 3-12 است.

حالا می‌خواهم ادامه بدهم و فقط ایده را دنبال کنم و کمی در مورد تفسیر این متن اساسی صحبت کنم.

این بخشی است که در بررسی کتابمان، آن را مبنایی برای نصایح و اندرزهایی می‌دانیم که در ادامه‌ی کتاب اول پطرس داریم. البته منظور من اول پطرس ۱:۳ تا ۱۲ است. ما با بررسی این بخش شروع می‌کنیم و به نظر من دو بخش اصلی داریم.

اولین بخش اصلی در واقع فقط نصف آیه است. متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح. بنابراین، با اعلام متبارک بودن خدا، پدر خداوند ما عیسی مسیح آغاز می‌شود و سپس بقیه این عبارت از ۳ تا ۱۲ اثبات آن است.

دلیل اینکه می‌گوییم خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح باید متبرک شود این است که، و این به تجربه مسیحیان در آیات ۱۳ ب تا ۹ مربوط می‌شود، در واقع دو چیز وجود دارد. اول، در آیات ۱:۳ ب تا ۹، تجربه مسیحیان از رحمت‌های خدا، تجربه مسیحی، و سپس در آیات ۱:۱۰ تا ۱۲، برتری مسیحیان از امتیازات و جایگاه برتر نسبت به فرستادگان دوره‌های پیشین، انبیا و فرشتگان، مزیت مسیحی. بنابراین، در آیات ۱:۳ ب تا تجربه مسیحی، و در آیات ۱:۱۰ تا ۱۲، مزیت مسیحی، ۹.

حال، در رابطه با تجربه مسیحی، خود آن به دو حرکت تقسیم می‌شود. تجربه مسیحی از نظر تولد دوباره به امید و میراث در آیات ۱:۳ ب تا ۵، و سپس تجربه مسیحی ناشی از آن از نظر امکان واکنش مثبت در میان شرایط دشوار در آیات ۱۶ تا ۹. و دوباره، در آیات ۱:۱۰ تا ۱۲، برتری و امتیاز مسیحیان نسبت به فرستادگان، یعنی مزیت مسیحیان، شامل یک حرکت دوگانه نیز می‌شود، که در آیات ۱:۱۰ تا ۱۲ الف بر پیامبران و در آیات ۱:۱۲ ب بر فرشتگان برتری دارد. توجه داشته باشید که او در آیات ۱۳ ب تا ۹ از آزمایش‌ها و رنج‌های فعلی مسیحیان به جای جلال، جلال و رستگاری آینده، به آیات ۱:۱۰ تا ۱۲، یعنی آزمایش‌ها و رنج‌های مسیح به جای جلال بعدی، حرکت می‌کند.

بنابراین، هم در ۱:۳ ب تا ۹ و هم در ۱:۱۰ تا ۱۲، او درباره حرکت از آزمایش‌ها و رنج‌ها به سوی جلال آینده صحبت می‌کند. در ۱:۳ ب تا ۹، او درباره حرکت مسیحیان از آزمایش‌ها و رنج‌ها به سوی جلال آینده صحبت می‌کند. و در ۱:۱۰ تا ۱۲، درباره حرکت مسیح از رنج‌ها به سوی جلال بعدی صحبت می‌کند.

بنابراین، از نظر روابط ساختاری، همانطور که قبلاً اشاره کردیم، به وضوح یک دلیل داریم، ۱:۳ الف معلول است، متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح. و سپس در ۱:۳ ب تا ۱۲، علت یا دلایلی که چرا خدا متبارک است یا باید متبارک باشد. من در اینجا جایی برای طرح سوالات نگرفتم، اما البته این کار را می‌کردم.

همچنین توجه داریم که در اینجا یک تکرار داریم، یک مقایسه با تکرار تضاد، و واقعاً این به آنچه که من اشاره کردم مربوط می‌شود، و آن این است که در این متن، مسیحیان با مسیح مقایسه می‌شوند، به این صورت که هم مسیحیان و هم مسیح آزمایش‌ها و رنج‌های فعلی را تجربه می‌کنند، اما مشتاقانه منتظر جلال و رستگاری آینده هستند، که البته شامل یک تضاد است، تضادی بین، می‌توان گفت آزمایش‌ها و رنج‌های فعلی، در

مقابل جلال و رستگاری آینده. بنابراین، این تجربه متضاد هم در زندگی مسیحیان و هم در زندگی مسیح تحقق یافته است. بنابراین، شما این مقایسه را بین سرنوشت، این سرنوشت متضاد مسیحیان و سرنوشت مسیح دارید.

همانطور که گفتم، فکر می‌کنم شما می‌توانید با این گفته تا حدی استدلال کنید، زیرا مسیحیان امید قطعی دارند که آزمایش‌ها و رنج‌های کنونی جای خود را به جلال و رستگاری خواهند داد، ۱:۹، زیرا رنج‌های مسیح نیز به همین ترتیب جلال بعدی را به دنبال داشت. به عبارت دیگر، دلیل اینکه مسیحیان این را تجربه خواهند کرد و می‌توانند آن را تجربه کنند این است که مسیح آن را تجربه کرده است. البته، ما همچنین در اینجا با تکرار علیت مواجه هستیم.

ایمان در میان آزمایش‌ها، دلیلی برای رستگاری است که خود معلول آن است. او بارها و بارها این نکته را در اینجا مطرح می‌کند و رستگاری در اینجا بر اساس ستایش، افتخار و جلال، و همچنین ستایش، افتخار و جلال آینده و شادی حال درک می‌شود. با این حال، ما همچنین بین مسیحیان، خوانندگانی که او در اینجا توصیف می‌کند، و تجربه آنها در آیات ۱، همانطور که باید خوانده شود، آیات ۳ تا ۹، که رستگاری را تجربه می‌کنند و توسط پیامبران و فرشتگان، که خدمتگزاران هستند، خدمت می‌شوند، در مقابل پیامبران و فرشتگان در آیات ۱۲ تا ۱۰، که گفته نمی‌شود این رستگاری را تجربه کرده‌اند، بلکه این رستگاری را پیش‌بینی کرده‌اند و به ۱۰ مسیحیان خدمت می‌کنند، تضادی داریم.

بنابراین، مسیحیان توسط پیامبران و فرشتگان خدمت می‌شوند و پیامبران و فرشتگان به مسیحیان خدمت می‌کنند. به عبارت دیگر، بین مسیحیانی که نجاتی را تجربه می‌کنند که پیامبران و فرشتگان فقط آن را اعلام می‌کنند، تضادی وجود دارد. این دوره به کل مفهوم برتری مسیحی که در آیات ۱۰ تا ۱۲ به آن اشاره کردیم اشاره دارد، اما در واقع به کل بخش مربوط می‌شود زیرا، البته، تجربه مسیحی در آیات ۳ تا ۹ توصیف شده است، و سپس تجربه فرعی و تا حدودی کمتر پیامبران و فرشتگان در آیات ۱۰ تا ۱۲ توصیف شده است.

بنابراین، بیایید به آنچه داریم از نظر یک تحلیل دقیق یا یک جریان فکری نگاه کنیم، اما به نوعی از واحدهای اصلی و زیرواحدهای بررسی بخش خود به عنوان یک چارچوب کلی گسترده برای آن استفاده می‌کنیم. همانطور که گفتیم، او با اعلام برکت در ۱: ۳ الف شروع می‌کند، متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح. او با توصیف شروع می‌کند، متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح، و سپس واقعاً در آیه ۳ ب به سراغ خوانندگان می‌رود: به رحمت عظیم او، ما از نو متولد شده‌ایم.

به یک معنا، او با خطاب قرار دادن خدا شروع می‌کند، متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح. حال این موضوع متبرک بودن، وقتی به این شکل استفاده می‌شود، به پرستش پرستش‌آمیز خدا مربوط می‌شود، با اذعان به این واقعیت که تنها خدا صاحب همه چیزهای خوب است و همه چیزهای خوب را می‌دهد. به عبارت دیگر، ما باید خدا را متبارک بخوانیم زیرا خدا ما را متبارک کرده است.

برکت دادن ما به خدا در پاسخ به برکت دادن او به ماست. چون او برکت می‌دهد، بنابراین ما نیز باید او را برکت دهیم. این مستلزم شناخت و تأیید این است که او منبع همه خوبی‌هاست.

ضمناً، اگر در واقع، یکی از اهداف اصلی، اگر نگوییم هدف اصلی رساله اول پطرس، پرداختن و تثبیت کل مفهوم هویت مسیحی باشد، این واقعیت که او رساله خود را به این شکل آغاز می‌کند، نشان می‌دهد که یکی از اهداف یا وظایف کلیسای جامعه مسیحی و مسیحیان، ستایش خدا، برکت خدا و ترویج ستایش خدا در سراسر جهان است. توجه کنید، عبارت هدفی را که در ۲: ۱۲ ذکر کردیم به خاطر بسپارید. در میان غیریهودیان رفتار نیک داشته باشید تا در صورتی که شما را به عنوان خطاکار سرزنش کنند، بتوانند اعمال نیک شما را

، ببینند و در روز ملاقات، خدا را ستایش کنند. هدف قوم خدا، و این در مرکز هویت قوم خدا قرار دارد، ستایش خدا، ستایش خدا و وسیله بودن در جهان و در نهایت ستایش خدا است.

تا ببینند، تا این غیریهودیان اعمال نیک شما را ببینند و در روز دیدار، خدا را ستایش کنند. حالا وقتی او، وقتی صحبت می‌کند، اما اینجا به طور خاص در مورد این خدا که خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح است صحبت می‌کند. فقط دو یا سه نکته در مورد این عبارت

این عبارت نشان می‌دهد که وقتی او درباره خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح صحبت می‌کند، ما می‌توانیم خدا را بشناسیم و او را با کفایت کامل تنها با ارجاع به آنچه خدا در مسیح، خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح، انجام داده است، درک کنیم. پطرس می‌گوید تنها از طریق مسیح است که ما خدا را به عنوان خدا و به عنوان پدر می‌شناسیم. نه وحی طبیعی، نه از طریق وحی طبیعی، نه حتی از طریق وحی عهد عتیق به معنای واقعی خود، بدون اشاره به تحقق آن در عهد جدید.

در واقع، در آیات ۱۰ تا ۱۲ از باب ۱، پطرس وقتی درباره خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح صحبت می‌کند وحی عهد عتیق را با مسیح مرتبط می‌سازد. وقتی در آیه ۱۱ درباره انبیا می‌گوید، آنها پرسیدند که روح مسیح که در درونشان بود، هنگام پیش‌بینی رنج‌های مسیح و جلال بعدی او، به چه شخص یا زمانی اشاره می‌کرد. در واقع، فرزندی ما با خدا و تولد دوباره ما توسط خدا، ارتباط نزدیکی با رابطه عیسی با پدر دارد.

تولد تازه ما و فرزندی ما برای خدا از مسیح سرچشمه گرفته و به واسطه آن است، اگر بخواهید از این عبارت استفاده کنید، تولد تازه، رستاخیز او. باز هم، در آیه ۳ می‌گوییم که به رحمت عظیم او، ما از طریق رستاخیز عیسی مسیح از مردگان، برای امیدی زنده از نو متولد شده‌ایم. ما از طریق رستاخیز او از نو متولد شده‌ایم.

می‌گوید، تنها کسی که عیسی را به عنوان خداوند ا-حال، این همچنین نشان می‌دهد، همانطور که بند ۳ می‌شناسد می‌تواند این برکت را بیان کند. هیچ کس دیگری در موقعیتی نیست که واقعاً بتواند خدا را به این معنای کامل پرستش یا ستایش کند. تنها از طریق عیسی، و به ویژه با تسلیم شدن در برابر او به عنوان خداوند، به پروردگاران عیسی مسیح توجه کنید، می‌توانیم خدا را به این معنا به عنوان پدر بخوانیم.

او این موضوع را بعداً در ۱:۱۴ دوباره مطرح خواهد کرد، به عنوان فرزندان مطیع، که شما به واسطه تولد تازه‌تان توسط خدا از طریق رستاخیز عیسی مسیح، پروردگار ما، از مردگان هستید، به عنوان فرزندان مطیع با هوس‌های جهل سابق خود مطابقت نداشته باشید، بلکه مانند کسی که شما را خوانده است مقدس باشید، در تمام رفتار خود مقدس باشید، زیرا نوشته شده است: مقدس باشید زیرا من مقدس هستم، و اگر به عنوان پدر، کسی که هر کس را بی‌طرفانه بر اساس اعمالش داوری می‌کند، به او استناد می‌کنید، در طول دوران تبعید خود با ترس رفتار کنید، اگر به عنوان پدر به او استناد می‌کنید. حال، در ۱:۳ تا ۵، البته، خب در ۱:۳ تا ۱۲، او پیش می‌رود و این اعلام برکت را اثبات می‌کند، و بنابراین، همانطور که گفتیم، با تجربه مسیحیان از رحمت‌های خدا در ۱:۳ تا ۹، تجربه مسیحی، شروع می‌کند، و همانطور که قبلاً در بررسی گفتیم، او در اینجا با تولد دوباره برای امید و میراث در ۱:۳ تا ۵ شروع می‌کند. بنابراین، او در اینجا می‌گوید ما از نو متولد شده‌ایم، و کلمه در اینجا، از نو متولد شده‌ایم، برای یک امید زنده و برای یک میراث. ما از طریق رستاخیز برای یک امید زنده متولد شده‌ایم، و به ارتباط بین زندگی و رستاخیز در اینجا توجه کنید، برای یک امید زنده از طریق رستاخیز عیسی مسیح از مردگان، و برای یک میراث از نو متولد شده‌ایم.

البته، بین تولد تازه و ارث، یک ارتباط مفهومی وجود دارد. تولد تازه به معنای فرزندخواندگی است و ارث به قلمرو فرزندخواندگی تعلق دارد. به واسطه تولد از خدا، ما وارثان خدا هستیم.

به یک میراث، و او در مورد ویژگی این میراث به عنوان فناپذیر، پاک و بی‌آلایش صحبت می‌کند، و دلیل این ویژگی، اثبات این ویژگی این میراث که فناپذیر، پاک و بی‌آلایش است، این است که در آسمان است. اما او همچنین در مورد... صحبت می‌کند، و سپس این را با صحبت در مورد حفظ این میراث اثبات می‌کند. او می‌گوید که از آن محافظت شده است، از طریق ابزارهای الهی و انسانی محافظت می‌شود، به وسیله قدرت خدا، این جنبه الهی است، و به وسیله ایمان ما، این جنبه انسانی است، تا پایان نجات آخرالزمانی که آماده آشکار شدن در زمان آخر است.

به معنای زاده شدن از بالا یا دوباره زاده شدن anagenao حال، واضح است که تولد تازه در اینجا، که است، مهم است. این عبارت نه تنها در اینجا استفاده شده است، بلکه در ۱:۲۳ نیز دوباره به آن اشاره خواهد کرد: شما از نو زاده شده‌اید، همانطور که در آنجا می‌گوید، نه از تخم فانی، بلکه از تخم غیرفانی به وسیله کلام زنده و پایدار خدا. حال، اگرچه ایده تولد تازه در جاهای دیگر عهد جدید، به ویژه در نوشته‌های یوحنا، یافت می‌شود، اما این فعل در واقع فقط در عهد جدید در اینجا در اول پطرس، در متن ما در ۱۲۳ یافت می‌شود.

در اینجا، این شامل یک وجود جدید، یک نوع جدید از وجود، وجودی است که توسط واقعیت خدا و کار خدا در مسیح، به ویژه رستاخیز مسیح، شکل گرفته است، در مقابل دیدگاهی از واقعیت که زندگی کنونی و چیزهای دنیوی را در نهایت مهم می‌داند، وجودی که توسط واقعیت‌های این جهان شکل گرفته است. این در مقابل آن قرار می‌گیرد. و این، البته، همانطور که قبلاً دیدیم، به کل این ماجرا، یعنی زبان غریبه‌ها و تبعیدی‌ها در اینجا، منجر می‌شود.

حال، منشأ این تجدید حیات، این تولد تازه، رحمت عظیم اوست. در واقع، این شامل مفهوم کمک رحیمانه می‌شود. این روش عهد جدید برای صحبت در مورد مفهوم عهد عتیق «مراقب باش»، کمک رحیمانه او کمک فعال و رحیمانه او به نیازمندان است.

همه اینها در مفهوم رحمت خلاصه می‌شود. حال، می‌توانیم با اشاره به دو یا سه نکته از نظر تأکید، این موضوع را بسط دهیم. متوجه می‌شویم که او در اینجا تأکید می‌کند که تولد تازه کاملاً عمل خداست

این اساساً خدامحور است. این کاملاً عمل خداست. به لطف و رحمت عظیم خداوند، ما از نو متولد شده‌ایم.

ضمناً، دوباره، شما با آن نیروی منفعل الهی که در یعقوب درباره‌اش صحبت کردیم، مواجه هستید. ما توسط خدا از نو متولد شده‌ایم. هیچ قدرت یا شایستگی انسانی در این امر دخیل نیست.

و البته این، پیامدهای مختلفی برای زندگی مسیحی دارد. زندگی مسیحی با سپاسگزاری از آنچه خدا انجام داده است، با ایمان به آنچه خدا انجام داده است، و اعتماد به آنچه خدا انجام داده است، با اطمینان به اینکه خدا با همان قدرت عظیم و مهربان خود به رفع همه نیازهای ما، به ویژه نیازهای معنوی ما، با شگفتی، با ستایش ادامه خواهد داد، مشخص می‌شود. باز هم، متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح، با فروتنی، با انتظار.

می‌بینید، همه اینها از این بحث القا می‌شود که تولد تازه ما به یاری مهربانانه خداوند است. ثانیاً، این دلالت بر کمک یا رهایی از نیروهای مخرب دارد. به لطف رحمت عظیم او، ما از نو متولد شده‌ایم.

این نیروهای مخرب قدرتمند هستند، از این رو رحمت عظیم، به واسطه رحمت عظیم او. رحمت عظیم مورد نیاز است. حال، این احتمالاً، وقتی در مورد این نیروها صحبت می‌کنیم، این نیروهای مخربی که از آنها

،رهای یافته‌ایم، احتمالاً، البته، این نیروها مربوط به مرگ و هر آنچه در مرگ دخیل است، مانند ناامیدی، یأس، بیهودگی هستند.

تمام این چیزهایی که او بسط خواهد داد، پطرس در متن بسط خواهد داد. سومین نکته‌ای که در اینجا مورد تأکید قرار گرفته این است که مسیحیان با تولد تازه و رحمت‌آمیز، قوم خدا می‌شوند و در قوم خدا ادغام می‌شوند. البته او این را دوباره در آیات 2:10 و 7 آشکار خواهد کرد. زمانی شما قوم نبودید، اما اکنون قوم خدا هستید.

زمانی رحمتی نیافته بودید، همان کلامی که اینجا دارید، به واسطه رحمت عظیم او، ما از نو متولد شده‌ایم. زمانی رحمتی نیافته بودید، اما اکنون رحمت یافته‌اید. عزیزان، از شما که غریب و تبعیدی هستید، التماس می‌کنم که از شهوات نفسانی که با روح شما در جنگ است، دوری کنید.

به عبارت دیگر، مردم بودن با دریافت رحمت امکان‌پذیر است. دریافت رحمت، پیوندی است که کلیسا را متحد می‌کند و به آن اجازه می‌دهد تا به عنوان قوم خدا در جهان عمل کند. این چیزی است که در نهایت ما به اشتراک می‌گذاریم.

ما دریافت‌کنندگان این نوع رحمت هستیم. ما، با هم، این نوع رحمت را به اشتراک می‌گذاریم و این ما را به هم پیوند می‌دهد و در واقع ما را از هم متمایز می‌کند. ما را در بدن مسیح به هم پیوند می‌دهد و ما را از سایر مردمان جهان متمایز می‌کند.

زمانی شما قوم نبودید، اما اکنون قوم خدا هستید. زمانی رحمت دریافت نمی‌کردید، اما اکنون رحمت دریافت کرده‌اید. و البته، این رحمت، شخصیت قوم خدا را در جهان تعیین می‌کند.

مهربان با یکدیگر و مهربان با کسانی که در بیرون هستند. حال، هدف از این، یعنی از نو متولد شدن، دو جنبه‌ها توجه کنید A دارد. به

از نو متولد شده، دو. اول از همه، یک امید زنده. خب، امید یک اصطلاح کلیدی در این کتاب است.

امید در رساله اول پطرس شامل انتظار قطعی از رهای آینده خدا است که در آمدن دوم مسیح، یعنی پارتوسیای مسیح، فرا خواهد رسید. این به معنای اعتماد است. این امید به معنای اعتماد است.

این امید شامل اعتماد، خوش‌بینی آگاهانه و انتظار صبورانه است. این شامل رهایی از اضطراب و نگرانی زندگی در پرتو پایان و نگرستن به همه چیز در حال حاضر در پرتو واقعیت نهایی پایان است. این شامل رهایی و اضطراب از نگرانی و اعتقاد راسخ به این است که خداوند تنها منبع رهایی و امنیت است.

این [روش/رویکرد/...] معطوف به آینده است، اما پیامدهای یافته شده برای وجود کنونی را محقق کرده است. در واقع، این زندگی کنونی است که با انتظار قطعی از عمل آینده‌ی خدا زیسته می‌شود. و بنابراین، راهی است برای اینکه به رستگاری آینده اجازه دهیم وجود کنونی ما را شکل دهد و از این طریق نوعی رستگاری را اکنون تجربه کنیم.

حال اجازه دهید در اینجا فقط به این نکته اشاره کنم، و ما وقت کافی برای بسط آن نخواهیم داشت، که امید، ویژگی اساسی وجود مسیحی در اول پطرس است، همانطور که ایمان برای پولس است. بنابراین، نصایح در ۱:۱۳ با اصرار پطرس به خوانندگانش آغاز می‌شود که کاملاً تفکر خود را با امیدی که به سوی پارتوسیای (خدای یگانه) معطوف است، شکل دهند. در ۱:۲۱، امید، موضع اساسی مسیحی در قبال خداست.

همانطور که او اینجا می‌گوید، تا ایمان و امید شما در خدا باشد. در آیات ۳:۵ و ۶، امید، زندگی‌ای را توصیف می‌کند که مورد قبول خداست. ۳:۶، همانطور که سارا از ابراهیم اطاعت کرد و او را خداوند خواند، خب بگذارید اینطور بگویم، در واقع ۳:۵، زمانی زنان مقدس که به خدا امیدوار بودند، خود را زینت می‌دادند و مطیع شوهران خود بودند، همانطور که او در آنجا می‌گوید.

و در آیه ۱۵:۳، زندگی مسیحی با امیدی که خدا در درون شماست، مشخص می‌شود. همانطور که او در آنجا می‌گوید، همیشه آماده باشید تا در برابر هر کسی که شما را به خاطر امیدی که در درونتان است، مورد بازخواست قرار می‌دهد، از خود دفاع کنید. در واقع، این موضوع شامل دو نکته در رابطه با الهیات پطرس است که نشان‌دهنده تفاوت تأکید بین پطرس و پولس است.

در پطرس، رستگاری تنها رستگاری نیست؛ رستگاری اساساً آینده است. اگر در پولس عمدتاً، در پولس، نقطه رستگاری در صلیب است. همانطور که می‌گویند، ما به واسطه کار مسیح و به ویژه، البته با تمرکز بر مرگ او بر روی صلیب، نجات یافتیم.

این مکان نجات در رساله پولس است. اما در رساله اول پطرس، مکان نجات در آمدن دوباره اوست. بنابراین، در رساله اول پطرس، نجات اساساً در آینده است.

در واقع، نجاتی که اکنون تجربه می‌کنیم، و پطرس مفهومی از نجات کنونی دارد، نجاتی که مسیحیان اکنون تجربه می‌کنند، نوعی پیش‌بینی و نوعی پیش‌نگری، نوعی پیش‌بینی، نوعی بازگشت به عقب از نجاتی است که تجربه خواهیم کرد. ما از طریق پیش‌بینی و امید به نجاتی که در پایان تجربه خواهیم کرد، شروع به تجربه آن می‌کنیم. حالا گفتم که این تا حدودی با نظر پولس متفاوت است.

الهیاتی چندانی ندارد. صلیب، اگر بخواهیم از یک اصطلاح فنی الهیاتی استفاده کنیم، یعنی الهیات صلیب الهیات صلیب در اول تسالونیکیان غالب و اصلی نیست. در اول تسالونیکیان، پولس نجات را به آینده پیوند می‌دهد. ما نجات خواهیم یافت. و تجربه نجاتی که اکنون داریم، مقدمه‌ای بر آن است.

و همچنین در اول تسالونیکیان، مانند اول پطرس، ما در درجه اول به وسیله امید و در درجه دوم به وسیله ایمان نجات می‌یابیم. بنابراین، در حالی که ایمان عامل مؤثر است و در بیشتر نوشته‌های پولس به عنوان عنصر مؤثر در نجات مورد تأکید قرار می‌گیرد، در اول پطرس، ایمان مهم است، اما چیزی که از نظر ممکن ساختن نجات حتی از ایمان هم مهم‌تر است، امید است. و این در مورد اول تسالونیکیان نیز صادق است جایی که پولس بر نقش امید در نجات بیشتر از نقش ایمان تأکید می‌کند، حتی همانطور که اول پطرس بر نقش امید در نجات بیشتر از امید به ایمان تأکید می‌کند.

البته، شما واقعاً باید هر دو را داشته باشید. بنابراین، مسئله این نیست که یا یکی از آنها را داشته باشید، بلکه مسئله تأکید نسبی است. حال، این امید در اول تسالونیکیان ۳ به عنوان یک امید زنده توصیف شده است.

او قرار است دو بار دیگر از کلمه زنده استفاده کند. او قرار است در مورد کلمه، کلمه زنده صحبت کند. ما نجات یافته‌ایم، ما از نو متولد شده‌ایم، و در واقع، آنها همچنین از نظر تولد تازه، توسط کلمه زنده، کلمه زنده خدا، کلمه زنده خدا هستند.

همچنین، او در آیه ۲:۴ درباره مسیح به عنوان سنگ زنده صحبت خواهد کرد. در هر دو مورد، مفهوم زندگی به استقامت، حتی در معرض خطر مرگ نبودن، و به سرزندگی، و به قابل اعتماد بودن و یقین اشاره دارد.

زندگی به معنای حیاتی که از جانب خدا می‌آید و به طور جدایی‌ناپذیری با خدا پیوند خورده است، به طوری که زندگی تا زمانی که خدا وجود دارد، وجود دارد.

قوی‌تر است. به گفته‌ی اول پطرس، زندگی از همه چیز، از جمله مرگ، قوی‌تر است. علاوه بر این، حیاتی است؛ یعنی فعال است و قدرت شکل دادن به تمام زندگی را دارد. بو رایش، محقق بزرگ عهد جدید سوئیدی، این را اینگونه بیان می‌کند: امیدی که می‌توان با آن زندگی کرد

این امید قطعی و زنده است زیرا ریشه در رستاخیز عیسی دارد، رویدادی در گذشته در تاریخ که هم تاریخی است و هم رویدادی که واقعاً در سطح تاریخ رخ داده است. این بخشی از گذشته است، یک رویداد گذشته است، و همچنین آخرالزمانی است، به پایان تاریخ تعلق دارد. این یک رویداد آخرالزمانی در زمان است

پایان اعصار فرا رسیده است. در این رستاخیز عیسی از مردگان، خداوند پیروزی امید را در ناامیدکننده‌ترین شرایط، یعنی مرگ، نشان می‌دهد. نکته این است که امید به هیچ وجه تحت تأثیر شرایط ضعیف یا کاهش نمی‌یابد.

و به رابطه‌ی آن با شرایط خواننده در اینجا توجه کنید، که بسیار خطیر و دشوار است. هیچ چیز نمی‌تواند یا نخواهد توانست مانع رستگاری آخرالزمانی خدا شود. حال، می‌توانیم در مورد همه اینها چیزهای بیشتری بگوییم، اما در اینجا به عنصر دوم اشاره می‌کنیم، در واقع، می‌توانیم بگوییم دومین تأثیر این تولد دوباره، که نه تنها به امیدی زنده، بلکه از طریق میراثی نیز حاصل می‌شود

حال، امید زنده در واقع، به یک امید زنده، به یک معنا بیشتر ذهنی است، یعنی به یک زندگی امید، در حالی که این میراث عینی‌تر است، جوهر آن چیزی که امید به آن است. این شامل دریافت یا تجربه واقعی وعده خدا، به ویژه وعده نجات و جلال ابدی است. حال، او در اینجا از میراث استفاده می‌کند، و این در واقع اشاره‌ای به زبان عهد عتیق است، جایی که میراث به ویژه برای سرزمین کنعان، سرزمین کنعان، استفاده می‌شود.

البته، خداوند به پدران قوم وعده زمین را به عنوان ارث داد، و او همچنین از ارث در صحبت با قوم اسرائیل استفاده می‌کند. زمین ارث آنهاست. بنابراین، واضح است که او به مفهوم عهد عتیق از زمین اشاره می‌کند

، اما این میراث با سرزمین کنعان متفاوت توصیف می‌شود، و این تفاوت با سه نکته‌ی منفی نشان داده می‌شود به میراثی که فناپذیر، پاک و بی‌زوال است، او می‌گوید. فناپذیر، آفتارتوس، که مشخصه خداست، ویژگی‌ای که خود خدا را توصیف می‌کند، فناپذیر، کاملاً عاری، به عبارت دیگر، از هرگونه تغییر، از هرگونه زوال، از هرگونه فساد، عاری از فاجعه، پاک، آمیانتوس، عاری از آلودگی اخلاقی، عاری از نوع فساد که شر لزوماً به اشیاء جهان وارد می‌کند، نه تنها عاری از فاجعه، بلکه عاری از فساد، آلودگی، فساد ناشی از شر، بی‌زوال آمارانتون، آنچه درخشش یا جذابیت خود را از دست نمی‌دهد، در مقایسه با چیزهای زمینی که از چنان ویژگی‌ای برخوردارند که ما از آنها خسته می‌شویم. اتفاقاً جالب است که این موضوع با پدران نیز مطرح بود

این موضوع برای برخی از پدران بسیار مهم بود وقتی که آنها در مورد جلال ابدی، ابدیت، تأمل می‌کردند، البته ابدیتی که توسط آنها درک می‌شد، همانطور که فکر می‌کنم در عهد جدید هست، به عنوان زمان بی‌پایان سوال این است که چگونه از آن راضی خواهیم شد؟ آیا حوصله‌مان سر نخواهد رفت؟ کل مسئله‌ی کسالت بهشت و پطرس واقعاً به این موضوع می‌پردازد.

درخشش یا جذابیت خود را در برابر چیزهای زمینی که چنان ماهیتی دارند که ما از آنها خسته می‌شویم، رها از تأثیرات زمان، از دست نخواهد داد. حالا، جالب است. بنابراین، آنچه ما واقعاً داریم یک نظم کاملاً جدید است، بنابراین با تولد تازه مرتبط است.

این واقعیت حقیقی است، زیرا واقعیتی است که از امور گذرا و موقتی پیرامون آنها فراتر می‌رود. حال، فکر می‌کنم از نظر الهیاتی مهم است که او این را انتخاب می‌کند، و این چیزی است که اغلب در عهد جدید می‌بینید، که او تصمیم می‌گیرد جلال آسمانی آینده را به صورت منفی توصیف کند، یعنی با آنچه که نیست. این واقعاً دلالت بر تعالی جلال آسمانی دارد.

یعنی، تنها راه واقعی برای صحبت کردن در مورد آن، صحبت کردن در مورد آن بر اساس آنچه هست نیست، زیرا آنچه هست آنقدر با آنچه ما تجربه می‌کنیم متفاوت است که واقعاً نمی‌توان آن را به طور قطعی توصیف کرد. تنها راه توصیف آن این است که چه چیزی نیست، چگونه با آنچه در حال حاضر تجربه می‌کنیم متفاوت است. اکنون، او اصرار دارد که این، همانطور که می‌گوید، برای شما در بهشت نگه داشته شده است.

این یک فعل الهی است که توسط خدا نگه داشته شده است. شما اینجا یک بار دیگر فعل مجهول الهی را دارید که توسط خدا در بهشت برای شما نگه داشته شده است، که البته بهشت جایی است که خدا در آن سلطنت می‌کند و کنترل انحصاری خود را اعمال می‌کند. حال، او در اینجا از زمان کامل در یونانی استفاده می‌کند.

زمان کامل نشان می‌دهد که به صورت سپرده نگهداری می‌شود. یعنی از قبل وجود دارد. پاداش ما از قبل وجود دارد.

این چیزی نیست که هنوز به وجود نیامده باشد. البته این نکته بر قطعیت آن تأکید می‌کند. این [چیز] از قبل وجود دارد.

این [کتاب/مطلب/...] منتظر ماست. این کتاب از قبل وجود دارد و توسط خود خدا به امانت گذاشته شده است. نه تنها این میراث حفظ شده است، بلکه خوانندگان نیز حفظ شده‌اند تا از دریافت این میراث اطمینان داشته باشند.

آنها در همه چیز محافظت می‌شوند. آنها محافظت می‌شوند. حالا، دوباره، شما صدای مجهول دارید که نشان دهندهی مجهول الهی است، که توسط خدا محافظت می‌شود.

ضمناً، کلمه «نگهبان» تداعی‌کننده مفاهیم نظامی است. می‌توان آن را، همانطور که کسی گفته است، به معنای «نگهبانی حفاظتی» دانست. خدا کسی است که نگهبانی می‌دهد.

حالا، اینجا زمان حال را دارید، دائماً در حال نگهبانی، دائماً در حال نگهبانی. حالا، این نگهبانی در واقع شامل دو وسیله است. هم جنبه الهی و هم جنبه انسانی را در بر می‌گیرد.

از جنبه الهی، ما توسط قدرت خدا محافظت می‌شویم. البته قدرت خدا در چارچوب قدرت او با عمل او در زنده کردن عیسی از مردگان توصیف می‌شود. این امر رستاخیز مردگان یک رویداد بسیار قدرتمند است.

و این، بار دیگر، اطمینان می‌دهد که همان قدرتی که رستاخیز از مردگان را در بر داشت، در محافظت خداوند از ما نیز مؤثر است. هیچ کس نیازی به لغزش ندارد، مهم نیست که شرایط چقدر نامطلوب باشد. حتی برای کسانی از ما که در طرف مقابل حرف من هستند، در سنت‌های متدیست و وسلی، که معتقدند عهد جدید به

طور کلی پیشنهاد یا تعلیم می‌دهد که لغزش برای کسی ممکن است، باید اذعان کنیم که لغزش برای کسی که با ایمان محافظت می‌شود، آسان نیست.

و البته، کسانی که در سنت اصلاح‌شده هستند می‌گویند این غیرممکن است. اینکه در مورد آن به کجا می‌رسید را به خودتان واگذار کنید. اما مطمئناً در اینجا نوعی هم‌افزایی وجود دارد.

این فقط مسئله قدرت خدا نیست. بلکه مسئله مشارکت انسان در آن نیز هست، که قدرت خدا را از طریق ایمان به کار می‌گیرد. کسانی که به قدرت خدا، از طریق ایمان برای نجاتی که آماده آشکار شدن در زمان آخر است، محافظت می‌شوند.

باز هم، همانطور که گفتیم، رستگاری در درجه اول آینده است. رستگاری آماده است تا برای آخرین بار آشکار شود. این قدرت محافظ الهی در حال عمل است. پیستیس، از طریق ایمان.

ایمان به قدرت خدا باعث می‌شود که قدرت خدا مؤثر واقع شود. حال، در رساله پطرس، ایمان نه به معنای ورود به زندگی مسیحی، بلکه به معنای حفظ حیات و وجود مسیحی به کار رفته است. این، باز هم، حداقل با اکثر نامه‌های پولس، تفاوت اندکی دارد.

اما نه تفاوت در نوع، بلکه تفاوت در تأکید. با این حال، او در اینجا می‌گوید که هدف از این امر محافظت شدن توسط قدرت خدا از طریق ایمان، نجاتی است که آماده است تا در زمان آخر آشکار شود. و ما قبلاً در اینجا در مورد تأکید آینده بر نجات صحبت کردیم.

و بنابراین، به آیات ۶ تا ۹ می‌رویم، جایی که بخش دوم را اینجا، در آیات ۳ تا ۹، داریم. واکنش مثبت، که در واقع اثر تولد دوباره است، امکان واکنش مثبت در میان شرایط دشوار است. فصل ۱، آیات ۶ تا ۹. حال، تأکید در این متن بر شادی است. در واقع با شادی شروع می‌شود و با شادی پایان می‌یابد.

آیه ۶، شما در این شادمان هستید. و سپس، البته، او در آیه ۸ اینجا اشاره خواهد کرد، بدون اینکه او را دیده باشید، او را دوست دارید، اگرچه اکنون او را نمی‌بینید، به او ایمان دارید و با شادی وصف‌ناپذیر و والا شادمان هستید. بنابراین، مضمون اصلی که این مطالب را به هم پیوند می‌دهد، شادی در میان شرایط دشوار است.

حال، او در اینجا، در آیات ۶ و ۷، با بحث در مورد شادی در میان واقعیت‌های نامطلوب شروع می‌کند. شادی در میان واقعیت‌ها و آزمایش‌های نامطلوب. ۱:۶ و ۷، در این شادی می‌کنید، هرچند اکنون برای مدت کوتاهی، البته این یک تضاد ملایم است، نوعی امتیاز، در این شادی می‌کنید، علیرغم این واقعیت که اکنون ممکن است برای مدت کوتاهی مجبور به تحمل آزمایش‌های مختلف شوید، تا در اینجا یک هدف داشته باشید، تا اصالت ایمان شما، گرانبهاتر از طلا، که اگرچه فانی است و با آتش آزمایش می‌شود، در هنگام وحی عیسی مسیح به ستایش و جلال و افتخار بیفزاید.

حال، وقتی او در اینجا درباره شادی در میان آزمایش‌ها صحبت می‌کند، همانطور که می‌گویم شادی کردن موضوع آیات ۶ و ۷ را تثبیت می‌کند، این نتیجه تولد دوباره به امید زنده و به میراثی است که، همانطور که او در اینجا می‌گوید، فناپذیر، پاک و ناپژمرده نیست، در آسمان برای شما نگه داشته شده است، و پیامدهای مستقیمی برای عمل دارد. این شادی در وحی مسیح به اوج خود خواهد رسید، که هست، اما این شادی که در وحی مسیح به اوج خود می‌رسد، همانطور که در ۴:۱۳ می‌گوید، حتی اکنون نیز تجربه می‌شود، اما تا جایی که در رنج‌های مسیح شریک هستید، شادی کنید تا وقتی جلال او آشکار می‌شود، شادی و خوشحالی کنید. حال، او می‌گوید، البته، او در اینجا بر زمینه این شادی در میان آزمایش‌ها تأکید می‌کند، که او در اینجا در کتاب ارائه می‌دهد، نه صرفاً به عنوان یک احتمال، بلکه به عنوان یک واقعیت.

در واقع، وقتی در طول کتاب، مفهوم رنج را می‌خوانید، جالب است. این مثال خوبی از چگونگی تکرار است که می‌تواند نشان‌دهنده‌ی پیشرفت در یک کتاب باشد. همانطور که کتاب را می‌خوانید، متوجه خواهید شد که به طور فزاینده‌ای قطعیت رنج این خوانندگان مجدد نشان داده می‌شود. او با اشاره به اینکه شما ممکن است رنج بکشید، شروع می‌کند و سپس به طور فزاینده‌ای در مورد این واقعیت که آنها رنج می‌برند صحبت می‌کند.

اما در این بحث شادی در بحبوحه آزمایش‌ها، سه تأکید وجود دارد. اولین مورد، و این مربوط به سه تأکید در مورد آزمایش‌ها است. یکی اینکه آزمایش‌ها آزمایشی یا مقدماتی هستند.

خداوند مقدر کرده است که جلال در پایان و در نتیجه‌ی آزمایش‌ها حاصل شود. البته، این دقیقاً تجربه‌ی مسیح است. او پس از و به دلیل رنج‌هایش، به جلال خود وارد می‌شود.

این [دانش] آزمایشی است. ما در مورد یعقوب اشاره کردیم که حداقل در بیشتر قسمت‌های کتاب مقدس شما هیچ نوع درکی از دانش میانه از جانب خدا ندارید. و ما همین نوع را می‌یابیم، بلکه خدا می‌تواند واقعاً بداند که ما چه کسی هستیم، آیا برای جلال ابدی مناسب هستیم یا خیر، تنها با دیدن اینکه چگونه به چیزها از نظر آزمایش‌ها یا امتحاناتی که برای ما می‌فرستد، پاسخ می‌دهیم.

و بنابراین، همین چیز اینجا یافت می‌شود تا اصالت ایمان شما به ستایش و جلال و غیره بیفزاید. این [آزمایشی] است.

همچنین رابطه‌ای است. این شامل امتیاز شریک شدن در رنج‌های مسیح، یکی شدن با او در رنج‌هایش، و یکی شدن با او در جلال است. همچنین آخرت‌شناسانه است.

این سومین تأکید در این رنج‌های کنونی است. این احتمالاً به مصیبت‌های مسیحایی در یهودیت و عهد جدید مربوط می‌شود. به عبارت دیگر، این واقعیت که مسیحیان در حال تحمل آزمایش هستند، و اتفاقاً، برخلاف یعقوب، آزمایش‌ها در اینجا به طور خاص به آزار و اذیت مسیحیان مربوط می‌شود، نه محاکمه.

یعقوب درباره انواع مختلف آزمایش‌ها صحبت می‌کند. و او، می‌داند، انواع مختلفی از آزمایش‌هایی را که مسیحیان، و خوانندگان شما ممکن است تجربه کنند، شرح می‌دهد. بسیاری از آنها که یعقوب در ادامه توصیف می‌کند، مربوط به زندگی بشر به طور کلی است و منحصر به وجود مسیحیان نیست؛ آنها به طور خاص به آزار و اذیت مسیحیان مربوط نمی‌شوند.

اما پطرس از آزمایش‌ها به معنای رنج کشیدن برای مسیح استفاده می‌کند. بنابراین، این شامل رنج کشیدن واقعی برای مسیح می‌شود، و او قصد دارد، همانطور که پطرس بعداً در کتاب می‌گوید، نشان دهد که این در واقع یک چیز دلگرم‌کننده است زیرا تا جایی که شما برای مسیح رنج می‌کشید، تشخیص می‌دهید که در واقع در مصائب مسیحایی شرکت می‌کنید. به عبارت دیگر، شما واقعاً بخشی از قوم خدا هستید که وقتی پایان فرا می‌رسد، نجات خواهند یافت.

در یهودیت، یک باور مهم و نسبتاً گسترده وجود داشت مبنی بر اینکه درست قبل از ظهور مسیح، یک ارتداد بزرگ رخ خواهد داد و زمان مصیبت و رنج بزرگی برای کسانی که به خدا وفادار هستند، فرا خواهد رسید. و این باور توسط مسیحیت اولیه در عهد جدید مطرح و مورد توجه قرار گرفته است. و بنابراین، در عباراتی مانند گفتمان زیتون در اناجیل، مرقس ۱۳ و عبارات مشابه، عیسی اظهار می‌کند که واقعاً کل دوره با این دوره مشخص خواهد شد، کل دوره بین رستاخیز و آمدن دوم او با این مصائب مسیحایی مشخص خواهد شد.

اما به ویژه در دوره درست قبل از آمدن دوم مسیح، تشدید این مصائب مسیحایی و موارد مشابه وجود خواهد داشت. بطرس در آیه 4:17 همین ایده را مطرح می‌کند، زمانی که می‌گوید، زیرا زمان آن رسیده است که داوری از خانواده خدا آغاز شود. و اگر از ما آغاز شود، پایان کسانی که از انجیل خدا اطاعت نمی‌کنند چه خواهد بود؟ بنابراین، به طرز عجیبی، به طرز طعنه‌آمیزی، او می‌گوید که رنج کشیدن برای مسیح در واقع خبر خوبی است.

حال، این رنج در مقایسه با جلال ابدی که در نتیجه آن تجربه خواهند کرد، برای مدت کوتاهی است. ضمناً او در اینجا اشاره می‌کند که آزمایش ایمان به دلیل ارزشمندی خود ایمان ضروری است. باز هم، این جنبه‌ی مثبت آزار و اذیت مسیحیان است.

یعنی خدا در این نوع آزمایش‌ها هدفی دارد و آن پالایش و آزمایش ایمان است، هر دو فقط با پالایش ایمان. در واقع، او در نظر دارد ایمان را از ایمان جدا کند و هر چیزی را که با ایمان متفاوت است، از آن جدا کند همانطور که پالایش فلز ناب شامل حذف آلیاژها از آن و خالص کردن آن است. اما همچنین آن را آزمایش می‌کند تا اگر ایمان واقعی نباشد، از آزمایش‌ها و موارد مشابه جان سالم به در نبرد. اما خدا این فرآیند را طی می‌کند و خدا این فرآیند را به دلیل ارزش ایمان در نظر دارد.

همانطور که مردم به پالایش فلزاتی که اساساً بی‌ارزش هستند اهمیت نمی‌دهند، بلکه فقط فلزات ناب مانند نقره و طلا را پالایش می‌کنند، خداوند نیز ایمان را پالایش می‌دهد زیرا ایمان گرانبه‌است. حال، او همچنین در آیات ۸ و ۹، در مورد شادی در زمینه دیگری صحبت می‌کند، و آن شادی در میان واقعیت‌های نامرئی است. در آیات ۶ و ۷، او در مورد شادی در میان واقعیت‌های نامطلوبی که می‌توانند ببینند صحبت می‌کند.

اکنون، او درباره شادی در میان واقعیت‌های شگفت‌انگیز و باشکوهی که آنها نمی‌توانند ببینند صحبت می‌کند. در آیات ۸ و ۹، بدون اینکه او را دیده باشید، او را دوست دارید. اگرچه اکنون او را نمی‌بینید، به او ایمان دارید. و با شادی وصف‌ناپذیر و والا شادمان هستید.

در نتیجه ایمان شما، نجات روحتان را به دست می‌آورید. حال، این به یک مشکل احتمالی اشاره دارد. گذشته از همه اینها، و اتفاقاً، این مشکلی است که ما نیز آن را تجربه می‌کنیم.

اگر به مردم بگوییم، اگر در مورد خودمان بگوییم که به خاطر عیسی مسیح نجات یافته‌ایم، عیسی مسیح نجات‌دهنده ماست، حداقل یک مشکل بالقوه در این واقعیت وجود دارد که او اینجا نیست، ما هرگز او را ندیده‌ایم و اکنون هم او را نمی‌بینیم. این مشکلی برای خوانندگان بود که بطرس می‌گوید خودش هم با آن مواجه نبود. او بعداً در ۱:۵ خواهد گفت: من به عنوان یک مشایخ دیگر و شاهد رنج‌های مسیح، بزرگان شما را نصیحت می‌کنم.

او پروردگار ما را دیده بود، اما این نسل دوم مسیحیان او را ندیده‌اند و اکنون نیز او را نمی‌بینند. زندگی مسیحی بر اساس شخصی است که آنها هرگز ندیده‌اند. حال، این مشکل اغلب در عهد جدید منعکس شده است، به عنوان مثال، در انجیل یوحنا، این متن معروف در یوحنا 20، آیات 26 و بعد از آن

«هشت روز بعد، مثلاً بعد از رستاخیز، شاگردانش دوباره در خانه بودند و توماس با آنها بود. درها بسته بود اما عیسی آمد و در میان آنها ایستاد و گفت: «سلام بر شما.» سپس به توماس گفت: «انگشت خود را اینجا بگذار و دست‌های مرا ببین، و دست خود را دراز کن و آن را در پهلوی من بگذار».

پی‌ایمان مباش، بلکه ایمان بیاور. «توماس به او پاسخ داد: ای خداوند من و ای خدای من.» عیسی به او گفت: «آیا چون مرا دیدی، ایمان آوردی؟» «خوشا به حال کسانی که ندیده‌اند و ایمان می‌آورند».

البته، در اینجا در متن اول پطرس، بین آنچه آنها می‌بینند، یعنی جفاکنندگان و آزارها، و آنچه نمی‌بینند، یعنی مسیح، تضادی وجود دارد. این می‌تواند منجر به شک و ناامیدی شود، اما راه حل، اتخاذ جهت‌گیری آینده است. مجدداً، به نقش شادی در اینجا در مقایسه با آیه ۶ توجه کنید. در این، شما شادی می‌کنید

، از چه چیزی شادمان می‌شوید؟ به امید، به امید. و در آیه ۸، بدون اینکه او را دیده باشید، او را دوست دارید، اگرچه اکنون او را نمی‌بینید، به او ایمان دارید و با شادی وصف‌ناپذیر و والا شادمان می‌شوید. در نتیجه ایمانتان، نجات جان‌هایتان را به دست می‌آورید.

وجود مسیحی به آینده مربوط است و به واقعیت‌ها یا شرایط گذشته یا حال وابسته نیست، مگر اینکه اینها گواهی بر آینده باشند. من در اینجا به کلمه اکنون اشاره می‌کنم. اگرچه اکنون او را نمی‌بینید، که دلالت بر این دارد که آنها او را خواهند دید، اگرچه اکنون او را نمی‌بینید، اما به او ایمان دارید.

ممکن است عدم امکان تکیه بر گذشته و حال، مؤمن را وادار کند تا بر آینده تمرکز کند و بدین ترتیب ایمان و امید را در او ایجاد کند، نوعی ایمان و امید که به عشق منجر می‌شود یا آن را پرورش می‌دهد. بدون اینکه او را دیده باشید، او را دوست دارید. اگرچه اکنون او را نمی‌بینید، اما با شادی وصف‌ناپذیر و والا شادمان می‌شوید.

در این صورت، پطرس ممکن است بگوید که اگرچه رنج به خبر خوش تبدیل می‌شود، اما این ناتوانی، این واقعیت که آنها مسیح را ندیده‌اند و اکنون او را نمی‌بینند، می‌تواند فرصتی برای آنها فراهم کند تا نوعی ایمان و نوعی امید را به کار گیرند که اگر او را دیده بودند یا اکنون او را می‌دیدند، امکان‌پذیر نبود. این واقعاً همان چیزی است که عیسی در یوحنا فصل ۲۰ می‌گوید، اینطور نیست؟ آیا چون مرا دیده‌اید، به من ایمان می‌آورید؟ خوشا به حال کسانی که هنوز مرا ندیده‌اند و ایمان نیاورده‌اند. حال، فقط یک نکته در مورد آیات ۱۰ تا ۱۲

در اینجا ما امتیازات و جایگاه برتر مسیحیان را نسبت به رسولان در دوره قبلی، یعنی مزیت مسیحی، داریم. و البته، او در اینجا بیشترین توجه را به این موضوع معطوف می‌کند، این گزینش کمی است، بخش عمده‌ای از توجه به امتیاز آنها نسبت به پیامبران در آیات ۱۰ تا ۱۲ الف معطوف شده است. پیامبرانی که از فیضی که قرار بود نصیب شما شود، پیشگویی کردند، در مورد این نجات جستجو و تحقیق کردند.

آنها پرسیدند که روح مسیح که در درون آنهاست، هنگام پیش‌بینی رنج‌های مسیح و جلال پس از آن، به چه شخص یا زمانی اشاره کرده است. به آنها وحی شد، باز هم به صورت الهی و منفعل از جانب خدا، به آنها وحی شد که آنها نه به خودشان، بلکه به شما در چیزهایی که اکنون توسط کسانی که از طریق روح القدس فرستاده شده از آسمان به شما مژده می‌دهند، اعلام شده‌اند، خدمت می‌کنند. حال، واقعاً فقط چند نکته وجود دارد که باید در اینجا به آنها توجه کرد.

اول از همه، اجازه دهید فقط بگویم که من در دوره قبلی به جایگاه در مقابل رسولان اشاره کردم. ممکن است بگویید، خوب، بله، این به وضوح مربوط به پیامبران است. آنها رسولان بودند، اما چرا از فرشتگان به عنوان رسولان یاد می‌کنید؟ پطرس اینجا صریحاً این را نمی‌گوید، اما من فکر می‌کنم این واقعیت که او فرشتگان را با پیامبران مرتبط می‌کند، نشان می‌دهد که او از مفهومی استفاده می‌کند که در آن زمان در یهودیت بسیار برجسته بود.

در واقع از ترجمه‌ی سبتواجینت بخشی از فصل ۳۳ کتاب تثنیه گرفته شده است، و آن این است که شریعت از طریق فرشتگان ابلاغ شده است. پولس دقیقاً همین را در غلاطیان فصل ۳ می‌گوید که شریعت از طریق فرشتگان ابلاغ شده است. استیفان نیز همین را در فصل ۷ کتاب اعمال رسولان می‌گوید.

شما شریعت را دریافت می‌کنید، یا آن را به عنوان واسطه‌ای از طریق فرشتگان و امثال آن می‌پذیرید، در عهد جدید نیز همینطور است. و عبرانیان ۲، در عبرانیان فصل ۲، پیرامون آیات ۲ و ۳ نیز این دیدگاه نسبتاً گسترده در عهد جدید را نشان می‌دهد که شریعت توسط فرشتگان واسطه شده است، به طوری که فرشتگان نیز واسطه وحی خدا بودند. آنها پیام‌آوران خدا بودند.

حال افعال مربوط به همه اینها، همه افعال اینجا از زمان حال استفاده می‌کنند و نشان دهنده تحقیق و بررسی دقیق و مداوم از سوی آنها هستند. همچنین می‌خواهم توجه داشته باشم که جوهره پیام نبوی، تجربه این مسیحیان است. توجه داشته باشید که پطرس می‌گوید در واقع آنچه پیامبران هنگام پیش‌بینی رنج‌های مسیح و جلال پس از آن درباره آن صحبت می‌کردند، مسیح بود.

پطرس در اینجا به این اعتقاد عهد جدید اشاره می‌کند که کل عهد عتیق به مسیح شهادت می‌دهد. همه انبیا به مسیح شهادت می‌دهند، و البته به ویژه با تمرکز بر رنج‌های مسیح و جلال پس از آن. این اهمیت زیادی دارد.

من اینجا وقت زیادی برای پرداختن به آن نمی‌گیرم، اما این موضوع با توجه به نحوه استفاده مسیحیان از عهد عتیق اهمیت زیادی دارد. اما او همچنین در اینجا بر پیوستگی پیام بین پیامبران در عهد عتیق و اعلامیه مسیحی، انجیلی که به شما اعلام شده است، از دو طریق تأکید می‌کند. از نظر ابزار یا توانمندسازی اعلام روح القدس در هر دو مورد دخیل بوده است.

آنها پرسیدند که آیه ۱۱ چیست، آنها پرسیدند که روح مسیح در درون آنها هنگام پیش‌بینی رنج‌های مسیح و جلال پس از آن، به چه شخص یا زمانی اشاره می‌کرد. و سپس او در آیه ۱۲ خواهد گفت، آنها نه به خودشان، بلکه به شما در چیزهایی که اکنون توسط کسانی که از طریق روح القدس به شما مژده می‌دهند اعلام شده است، خدمت می‌کردند، همان روح القدس که در موعظه انجیل مسیحی فعال است، در پیامبران نیز فعال بود. اما نه صرفاً، می‌دانید، همان توانمندسازی، همان وسیله، همان عامل اعلام، بلکه همان پیام.

مسیح پیام انبیا و انجیل مسیحی است که به شما اعلام شده است. البته، در این متن سه تأکید وجود دارد نکته اول این است که، نکته اول، و این نکته اساسی است که او می‌خواهد بیان کند، جایگاه والای مسیحیان بر انبیا و فرشتگان.

اینها واسطه‌های برجسته‌ی نجات خدا بودند. و در یهودیت این دیدگاه وجود داشت که پیامبران واقعاً از امتیاز ویژه‌ای برخوردار بودند. اما اکنون پطرس اعلام می‌کند که ما مسیحیان، کوچکترین مسیحی، مزیت و امتیاز بزرگی نسبت به بزرگترین پیامبران داریم.

معنای ضمنی این حرف کاملاً واضح است. شما از مزیتی برخوردارید. از مزیت خود استقبال کنید.

این باید به شادی منجر شود و باید شما را به زندگی در انجیل مسیحی به شیوه‌هایی سوق دهد که آنها به دلیل جایگاهشان در تاریخ نجات، قادر به انجام آن نبودند. آنها فاقد مزیت تاریخی نجاتی بودند که شما دارید. و شما باید تمام تلاش خود را بکنید تا ایمان خود را حفظ کنید و از آن عقب نمانید.

اگر به هر نحوی از این فیضی که متعلق به شماست، فیضی که آنها فقط می‌توانند به آن امیدوار باشند، فیضی که فقط می‌توانند درباره‌اش تحقیق کنند و فرشتگان فقط می‌توانند مشتاق تماشای آن باشند، به طور کامل بهره نبرید، ضایعه‌ای بسیار بزرگ خواهد بود. تأکید دوم این است که اعلام نبوت به خاطر وجود مسیحیت وجود دارد.

این به اهمیت عهد عتیق برای مسیحیان اشاره دارد، هم به ارزش متون مقدس عبری و هم به ماهیت ارزش آن، که به جهت استفاده از آن و نحوه‌ی نهایی خواندن آن مربوط می‌شود. اساساً، این به این معنی است که وقتی مسیحیان با عهد عتیق کار می‌کنند، عهد عتیق را می‌خوانند، عهد عتیق را مطالعه می‌کنند، از عهد عتیق موعظه می‌کنند، باید مراقب باشند تا به بهترین شکل ممکن معنای این متون عهد عتیق را در متن خود مشخص کنند. انجام هر کاری کمتر از این، انکار ویژگی آشکار تاریخی و تجسمی وحی الهی است.

بنابراین، مسئله صرفاً این نیست که آموزه‌های عهد جدید را به شیوه‌ای غیرانتقادی و بسیار سطحی، به خود عهد عتیق برگردانیم، به طوری که هرگز اجازه داده نشود عهد عتیق به خودی خود شنیده شود. این کار را انجام دهید. اما نکته این است که به این بسنده نکنید.

همیشه این سوال مطرح است که چگونه این آموزه، چگونه این حقیقت از این متن عهد عتیق به مسیح اشاره می‌کند؟ چگونه در مسیح به تحقق می‌رسد؟ در شخص مسیح، در کار مسیح، در قوم مسیح؟ حال تأکید سوم بر تداوم پیام توسط روح مسیح از نظر ابزار، رنج‌های مسیح و جلال بعدی آن از نظر محتوا است. و سپس، البته، چهارم، تأکید بر این است که نجات، اگرچه در درجه اول آینده است، اما از قبل به عنوان تحقق حاضر است. می‌توانید در مورد نجات در دوره اول که در درجه اول آینده است صحبت کنید، اما به یک معنا وجود دارد که در حال حاضر نیز هست و در تحقق گذشته است، به طوری که برای آن آماده شده است، به طوری که ما در واقع در روزهای آخر در پایان اعصار زندگی می‌کنیم، اگرچه این دوره آخرالزمانی، این وجود آخرالزمانی هنوز به کمال نرسیده است.

بنابراین، به عبارت دیگر، نوع نگاه مسیحی هم به گذشته و هم به آینده است. رستگاری که ما در حال حاضر تجربه می‌کنیم، آگاهانه و سرشار از اطلاعات است، در واقع، لزوماً از گذشته، پیامبران و فرشتگان، و اتفاقاً، او ممکن است در اینجا شریعت را در نظر داشته باشد. اما البته، رستگاری اساساً آینده است، شامل نگاه ما به آینده و رستگاری کنونی ما است که از آینده الهام می‌گیرد، و در واقع، رستگاری تا جایی که اکنون آن را تجربه می‌کنیم، رستگاری آینده است که در حال وقوع است، یعنی به صورت پیش‌آگاهانه تجربه می‌شود.

آینده دارد به زمان حال ما رخنه می‌کند. خب، این حداقل پایه و اساسی است که پطرس برای دیدگاه زندگی مسیحی ارائه می‌دهد، دیدگاهی که در ادامه کتابش به عنوان نصیحت و اندرز ارائه خواهد داد.

من دکتر دیوید باور هستم در مورد مطالعه استقرایی کتاب مقدس. این جلسه 30
اول پطرس 1: 3-12 است.